



University of Tehran Press

The Rules Governing on Filtering in the in Light of the Right to Freedom of Communication (with a Look at The Approach of the Council of Europe, Japan and Belgium)

Hasan Pourbafrani¹ | Hamidreza Heydarpour^{2✉} | Zhila Mehrara³

1. Associate Prof., Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir
2. Corresponding Author; Postdoctoral Researcher in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: hrh_1364@yahoo.com
3. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Meybod, Tehran, Iran. Email: Zhila.Mehrara1365@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1-27</p> <p>Received: 2024/08/18</p> <p>Received in Revised form: 2025/05/31</p> <p>Accepted: 2025/08/04</p> <p>Published online: -----</p> <p>Keywords: <i>The Principle of Freedom of Exchange and Access to Information, Filtering Requirements, The Right to Freedom of Communication, Permitted Filtering, Filtering Act, Permitted Filtering Rules, The Iranian Legal System.</i></p>	<p>The aim of this article is to examine the rules governing filtering in light of the right to freedom of communication and with a view to the approach of the Council of Europe and the two countries of Japan and Belgium, and to present the desired solution for the Iranian legislator to deal with filtering cases. The results of this research indicate that filtering is basically a phenomenon that is contrary to the requirements of the right to freedom of communication, and therefore, taking action against it should be considered an exceptional category and based on sufficient rational evidence and wise action by governments that respect freedom of communication among citizens. In addition, the most important exceptional cases in which filtering is permissible include: the occurrence of terrorist attacks or security risks, access by minors to immoral data and systems, and access to criminal (criminal) systems and data. Also since permitted filtering is considered exceptional, the rules governing this type of filtering include: predictability, the ability to object, monitoring, a fixed period, necessity, and legality of filtering. Accordingly the Iranian legislator should seek to enact a filtering law and enumerate the cases of permitted filtering and the rules governing it.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Pourbafrani, Hasan; Heydarpour, Hamidreza; Mehrara, Zhila (2026). The Rules Governing on Filtering in the in Light of the Right to Freedom of Communication (with a Look at The Approach of the Council of Europe, Japan and Belgium). <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-27. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.381097.3588</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jpls.2025.381097.3588</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





قواعد حاکم بر فیلترینگ در پرتو حق آزادی ارتباطات:

با نگاهی به رویکرد شورای اروپا، ژاپن و بلژیک

حسن پوربافرانی^۱ | حمیدرضا حیدرپور^۲ | ژایلا مهرآرا^۳

۱. دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir
۲. نویسنده مسئول؛ پژوهشگر پسادکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: hrh_1364@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد، تهران، ایران. رایانامه: Zhila.Mehraral365@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۷-۱</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳</p> <p>تاریخ انتشار برخط: -----</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصل آزادی تبادل و دسترسی به اطلاعات، بایسته‌های فیلترینگ، حق آزادی ارتباطات، فیلترینگ مجاز، قانون فیلترینگ، قواعد فیلترینگ مجاز، نظام حقوقی ایران.</p>	<p>هدف این مقاله، آن است که قواعد حاکم بر فیلترینگ را در پرتو حق آزادی ارتباطات و با نگاهی به رویکرد شورای اروپا و دو کشور ژاپن و بلژیک، بررسی کند و راهکار مطلوب برای مواجهه مقنن ایرانی با موارد فیلترینگ را ارائه دهد. نتایج حاصل از این پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش مطالعه کتابخانه‌ای تدوین شده، حاکی از آن است که فیلترینگ اصولاً پدیده‌ای برخلاف مقتضای حق آزادی ارتباطات است، پس اقدام به آن، باید یک مقوله استثنایی محسوب شود و مبتنی بر ادله عقلانی کافی و اقدام بخردانه حاکمیت‌هایی باشد که به آزادی ارتباطات میان شهروندان احترام می‌گذارند؛ همچنین، مهم‌ترین موارد استثنایی که در آن‌ها فیلترینگ مجاز به شمار می‌رود، عبارتند از: بروز حملات تروریستی یا مخاطرات امنیتی، دسترسی خردسالان به داده‌ها و سامانه‌های غیراخلاقی و دسترسی به سامانه‌ها و داده‌های مجرمانه (بزه‌خیز). از سوی دیگر، بنابر استثنایی محسوب شدن فیلترینگ مجاز، قواعد حاکم بر این نوع فیلترینگ عبارتند از: قابل پیش‌بینی بودن، قابلیت اعتراض، نظارت‌پذیر بودن، معین بودن مدت، ضروری بودن و قانون‌مدار بودن فیلترینگ. بر این پایه، مقنن ایرانی باید در صدد تصویب قانون فیلترینگ و احصای موارد فیلترینگ مجاز و قواعد حاکم بر آن، برآید.</p>
استناد	پوربافرانی، حسن؛ حیدرپور، حمیدرضا؛ مهرآرا، ژایلا (۱۴۰۵). قواعد حاکم بر فیلترینگ در پرتو حق آزادی ارتباطات: با نگاهی به رویکرد شورای اروپا، ژاپن و بلژیک. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، -- (--)، ۱-۲۷. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.381097.3588
DOI	10.22059/jplsqt.2025.381097.3588
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات^۱، یکی از مهم‌ترین حقوق بشر است و در اسناد مختلف حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۲ پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۰ این کنوانسیون مقرر شده است: «هر شخصی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها، بدون مداخله مراجع دولتی و صرف‌نظر از مرزهای کشورها می‌باشد...»^۳. بر این اساس و به موجب این حق، دولت‌ها وظیفه دارند زمینه‌ها و شرایط دسترسی قانونمند، آزاد، مؤثر و برابر همه شهروندان به منابع اطلاعاتی و راه‌های ارتباطی از جمله در فضای سایبر را فراهم کنند.^۴

۱. از حیث مفهومی، حق آزادی ارتباطات (The Right to Freedom of Communication) و حق دسترسی آزاد به اطلاعات (The Principle of Freedom of Access to Information) به این معناست که شهروندان در یک جامعه انسانی و مدنی، حق دارند از راه‌ها و ابزار مختلف و متنوع برای ایجاد و تبادل اطلاعات و برقراری ارتباطات زمینه‌های گوناگون، بهره‌مند باشند.

2. The European Convention for The Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

3. "Everyone has the right to freedom of expression. This right shall include freedom to hold opinions and to receive and impart information and ideas without interference by public authority and regardless of frontiers".

۴. در برخی اسناد بین‌المللی، به‌ویژه مقدمه قطعنامه ۵۹ مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۴۶)، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، دولت‌ها در خصوص شهروندان، متعهد به تأمین و تضمین حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات شده‌اند. دولت ایران نیز حسب تکالیفی که به سبب الحاق به این اسناد برای خود منظور کرده بود، در سال ۱۳۸۸، اقدام به تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۸ کرد. در ماده ۲ این قانون و ذیل عنوان «آزادی اطلاعات»، مقرر شده است: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون، منع کرده باشد...» همچنین، ماده ۵ این قانون ذیل عنوان «حق دسترسی به اطلاعات» اشعار می‌دارد: «مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس عموم مردم قرار دهند.» در تبصره این ماده نیز می‌خوانیم: «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود، از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.» برای مطالعه بیشتر در مورد این قانون، بنگرید به: سلیمان دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۵-۱۰۰). با اینکه در فصل چهارم این قانون (مواد ۱۳ تا ۱۷)، استثنائات دسترسی به اطلاعات احصا شده‌اند، اما مفهوم فیلترینگ در معنایی که در نوشتگان حقوقی به آن اشاره دارد و در این مقاله از آن استفاده شده است، نه در این قانون و نه در هیچ متن تقنینی دیگری در کشور ما مورد شناسایی نبوده و مقررهای هم در مورد آن، وضع نشده است. بر این مبنا، گراف نیست اگر ادعا شود فیلترینگ از حیث واژه‌شناسی حقوقی (Legal Terminology) در نظام حقوقی ایران، جایگاه تقنینی ندارد و تنها مفهومی مطرح در سطح محاورات روزمره شهروندان یا ادبیات معمول میان متولیان فضای مجازی و یا برخی رویه‌های فراقانونی مورد اجرا در سطح مراجع قضایی در کشور ماست.

بی‌تردید، در روزگار فعلی، یکی از مهم‌ترین بسترهای ارتباط و تولید و تبادل اطلاعات، اینترنت و فضای سایبر است، و با وجود آنکه اصل و قاعده کلی حاکم بر این فضا نیز آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات است و در دنیای متمدن امروز، حتی با عنوان حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات، به عنوان یک حق بشری و در مقابل، برای دولت‌ها در برابر شهروندان‌شان، تعهدی مبنی بر تأمین بستر دسترسی آزاد به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباطی شناسایی شده است، ولی گاه، بنا بر برخی ملاحظات و دلایل، نظام‌های حاکمیتی ناگزیر از اعمال محدودسازی‌های موقت و یا مسدودسازی‌های دائمی فراروی دسترسی آزاد به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباطی هستند. بر این مبنای، در برخی موارد خاص از جمله هنگام وقوع یا وجود بیم از رخداد حمله‌های تروریستی و مخاطرات امنیتی، امکان دسترسی کودکان و نوجوانان به داده‌ها و سامانه‌های غیراخلاقی و نیز احتمال دسترسی عمومی شهروندان به سامانه‌ها و داده‌های جرم‌خیز، ممکن است دولت‌ها اقدام به فیلترینگ^۱ کنند.

بنابراین، ملاحظات و دلایلی که بر پایه آن‌ها دولت‌ها اقدام به فیلترینگ فضای مجازی می‌کنند، به طور عمده، امنیتی، اخلاقی یا مجرمانه هستند. به عبارت دیگر، در مواردی که بیم مخاطرات امنیتی یا چالش‌های اخلاقی یا معضلات بزه‌کارانه وجود دارد و دسترسی آزاد به این منابع و ابزارها به‌ویژه در فضای مجازی (اینترنت)، از جمله زمینه‌های اصلی و مؤثر بروز این چالش‌ها و مخاطرات شمرده می‌شود، فیلترینگ، پدیده‌ای محتمل و قابل پیش‌بینی به شمار می‌رود.

در وضعیتی که دولت‌ها اقدام به فیلترینگ فضای مجازی می‌کنند، در حقیقت، گستره و چگونگی دسترسی‌ها به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباطی را محدود و یا مسدود کرده‌اند، و این موضوع، به‌خودی‌خود، یک مانع مهم و قابل توجه فراروی حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات است. در این وضعیت، یکی از چالش‌های مهمی که نظام‌های حقوقی با آن مواجه هستند، تعیین مرز بین «اصل» آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات و «استثنا» فیلترینگ در قلمروی اینترنت (فضای مجازی) است.^۲

۱. بر این اساس، از نظر معنا، فیلترینگ (Filtering) یعنی مسدودسازی دائمی یا محدودسازی موقت میزان و گستره دسترسی‌ها به منابع اطلاعاتی در فضای اینترنت.

۲. بر مبنای درکی که نگارندگان حاضر از حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات از یک‌سو و فیلترینگ از سوی دیگر دارند، بر این نکته پافشاری می‌کنند که این حق، جز در موارد کاملاً استثنایی و بر اساس دلایل کاملاً قانونی، معقول و توجیه‌پذیر، نمی‌تواند محدود یا نقض شود. بر این اساس، تفکیک فیلترینگ به مجاز و غیرمجاز نیز مبتنی بر همین باور است. تنها فیلترینگ مجاز، مبتنی بر دلایل و ملاحظات موجه به‌شمار می‌رود و فیلترینگ غیرمجاز، نه تنها بر این دلایل و ملاحظات استوار نیست، بلکه تعدی آشکار به حریم آزادی‌های بشری و شهروندی و نیز حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات نیز شمرده می‌شود. مطالب مطروح در این مقاله نیز بر پایه همین درک و استنباط، تدوین و ارائه شده‌اند.

در مواجهه با این وضعیت، سؤال اصلی این است که قلمرو این استثناها تا کجاست و مصادیق آن کدام است؟ سؤال‌های دیگری نیز وجود دارد، از جمله اینکه آیا ضوابط مشخصی را هم می‌توان بر فرایند فیلترینگ مجاز حاکم دانست یا خیر؟ برای پژوهش پیرامون این موارد، می‌توان رویکرد شورای اروپا^۱ و توصیه‌نامه‌های صادرشده از سوی این نهاد و نیز دیدگاه برخی کشورها درباره مصادیق فیلترینگ مجاز و ضوابط حاکم بر آن را مورد مذاقه قرار داد. در مقاله حاضر، رویکرد دو نظام حقوقی ژاپن و بلژیک^۲ مبنای تحلیل قرار گرفته است.

باری، با توجه به اینکه در حال حاضر، هیچ ضابطه تقنینی مشخصی درباره مصادیق فیلترینگ مجاز و ضوابط حاکم بر آن در نظام حقوقی ایران، به چشم نمی‌خورد، که در نوع خود یک خلأ مهم و توجیه‌ناپذیر است، تحقیق در این مورد اهمیت دارد و ضروری است؛ و به نظر می‌رسد در این خصوص، می‌توان از رویکرد شورای اروپا و کشورهایی که اقدام به تصویب قوانین مشخصی پیرامون فیلترینگ و تدوین ضوابط حاکم بر فیلترینگ مجاز کرده‌اند، استفاده کرد؛ کاری که در این مقاله، پی گرفته می‌شود. بر پایه این توضیح، هدف مقاله حاضر، به‌طور عمده، آن است که در پرتو استثنانگاری فیلترینگ فضای مجازی نسبت به اصل آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصادیق فیلترینگ مجاز را احصا و ضوابط حاکم بر مجاز بودن فیلترینگ را از منظر حق بر آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات، تحلیل کند. به‌منظور انجام این مطالعه، رویکرد شورای اروپا و نیز موضع دو نظام حقوقی ژاپن و بلژیک به مثابه نظام‌هایی که اقدام به تقنین خاص در مورد فیلترینگ مجاز و تعیین ضوابط حاکم بر آن کرده‌اند، مبنای تحقیق قرار گرفته است.

۱. شورای اروپا (Council of Europe) قدیمی‌ترین تشکیلات سازمانی برای یکپارچه‌سازی کشورهای عضو اتحادیه اروپاست، که در سال ۱۹۴۹ به وجود آمد. بنیان این شورا بر توسعه مردم‌سالاری، تقویت حقوق بشر، تثبیت رویه‌های مبتنی بر به‌زامداری، استقرار الگوهای حکومت کامل قانون و انتفاع از همکاری‌های فرهنگی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا استوار است. در حال حاضر (خرداد ۱۴۰۴ خورشیدی)، ۴۷ کشور با مجموع ۸۲۰ میلیون نفر جمعیت عضو این شورا هستند. مهم‌ترین زمینه فعالیت شورای اروپا در رابطه با حقوق بشر و حقوق شهروندی است. برخی از مهم‌ترین دستاوردهای این شورا را می‌توان عبارت دانست از: تدوین و تصویب معاهده اروپایی حقوق بشر (۴ نوامبر ۱۹۵۰) و تأسیس دو نهاد خاص در قلمرو اتحادیه اروپا؛ یکی کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دیگری، دادگاه اروپایی حقوق بشر. افزودنی است که ماده ۱ اساسنامه این شورا مقرر می‌دارد: «... درهای این شورا بر روی کشورهایی که به دنبال گسترش مردم‌سالاری، حقوق بشر، به‌زامداری مبتنی بر حکومت قانون و بهره‌برداری از همکاری‌های فرهنگی هستند، باز است...». البته این شورا مداخله‌ای در روندهای قانون‌گذاری در سطح اتحادیه اروپا ندارد، اما مشارکت در تدوین و ارائه جهت‌گیری‌های کلی سیاسی و اولویت‌های اتحادیه اروپا، از جمله مهم‌ترین حوزه‌های صلاحیت و اقدام این شورا محسوب می‌شود و بر این مبنای می‌توان آن را یکی از نهادهای استراتژیک اتحادیه اروپا به‌شمار آورد.
۲. با اینکه بلژیک نیز از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز شورای اروپاست، ولی دلیل انتخاب نظام حقوقی این کشور و تحلیل رویکرد آن به‌صورت مستقل در این مقاله، تصویب قوانین خاص پیرامون فیلترینگ در این کشور بوده است.

باید افزود که هرچند در قلمرو فیلترینگ و در ادبیات حقوقی پژوهشی کشور مقالاتی به رشته تحریر درآمده‌اند^۱، اما تازگی پژوهش حاضر آن است که با اتخاذ دیدگاه مبتنی بر استثنانگاری فیلترینگ اینترنت، بر احصای موارد مجاز فیلترینگ تمرکز، و قواعد حاکم بر فیلترینگ مجاز را در پرتو رویکرد شورای اروپا و قوانین مصوب در دو کشور بلژیک و ژاپن، بیان و تحلیل کرده است؛ به نحوی که برای شناسایی مصادیق فیلترینگ مجاز و ضوابط حاکم بر استثنانگاری فیلترینگ، قابل‌گرفته‌برداری در نظام حقوقی ایران نیز باشد. از این‌رو در این مقاله، ابتدا مفهوم و مبانی حق آزادی ارتباطات بررسی می‌شود؛ و سپس مفهوم فیلترینگ و دیدگاه‌های پیرامون آن مطالعه می‌شوند. پس از آن، مصادیق و موارد فیلترینگ مجاز، احصا، تحلیل و تبیین شده و نیز قواعد و موازین حاکم بر فیلترینگ مجاز از منظر حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات، بررسی قرار می‌شود.

۲. درآمدی بر پیشینه، مفهوم و مبانی حق آزادی ارتباطات

با توجه به پایه‌ای بودن بحث در مورد حق آزادی ارتباطات^۲، در این قسمت، سابقه تاریخی، مفهوم و مبانی حق آزادی ارتباطات، بررسی می‌شود.

۱.۲. پیشینه تاریخی

حق ارتباط، در ادامه «حق آزادی اطلاعات» و «حق اطلاع» است (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۷۵). اهمیت جایگاه «حق ارتباط» در کنار آزادی بیان و اطلاعات و مطبوعات، برای نخستین بار، توسط ژان درسی^۳، مدیر پیشین تولیدات تلویزیونی فرانسه و بنیان‌گذار برنامه یورو ویژن (برنامه تلویزیونی در سراسر اروپا)^۴، تأکید شد. وی در یکی از مقالات خود در مجله «اتحادیه اروپایی رادیو - تلویزیون»^۵ به «حق انسان برای ارتباط»^۶ تصریح کرد (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۷۸؛ اسدی، ۱۳۹۹: ۸۳) و ده سال پس از انتشار مقاله یادشده، در مقاله دیگری که در «مجله فرانسوی ارتباطات» (شماره ۳ سال ۱۹۷۹) منتشر کرد، خصوصیت آینده‌نگرانه پیشنهاد خود برای به رسمیت شناخته شدن «حق آزادی ارتباطات» به عنوان یکی از اجزای حقوق بشر را مطرح کرد و امکان طراحی و اجرای یک برنامه پژوهشی خاص در این

۱. از جمله، بابازاده مقدم و اسدی، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۹۴؛ محسنی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۷-۱۱۸؛ فضائی و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۸۲، رضایی و بابازاده مقدم، ۱۳۹۳: ۴۴-۸۲

2. The Right to Communicate
3. Jean Dursy
4. Eurovision
5. European Radio-Television Union
6. The Human Right to Communicate

زمینه را نیز خاطرنشان ساخت (Steiner & Alston, 2013: 266). به بیان صریح‌تر، خواست ژان داری در ارتباط با «حق آزادی ارتباطات»، یک وجه جدید آرزوی دیرین انسان‌ها برای ارتقا و تقویت تفاهم مشترک و ارتباط متقابل بود. در واقع، آنچه در این باره مورد توجه او بود، در طول دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در کانون اصلی مباحثه‌های مربوط به آزادی‌های عمومی و نقش‌های اجتماعی وسایل ارتباط جمعی قرار گرفت. او در مقاله دیگرش در «مجله فرانسوی ارتباطات»، راجع به «حق آزادی ارتباطات» چنین نوشته بود: «... مفهوم تحول‌پای آزادی‌ها و مسئولیت‌ها، در واقع در کانون اصلی و مربوط به حق ارتباط، قرار دارد. منظور این پیشنهاد آن نیست که یک حق حذف شود و حق دیگری جای آن را بگیرد؛ بلکه هدف آن است که به جریانی که ما را می‌برد، توجه شود. این پیشرفت آهسته‌ای که بشریت طی می‌کند، این کوشش محتاطانه گام‌به‌گام و بیش از پیش مصممانه که برای تسلط بر محیط صورت می‌گیرد و این پیروزی‌های پیاپی بر زمان و مکان، هر کدام از آن‌ها، هرگاه که ما بخواهیم، می‌توانند موجود آزادی‌های بیشتر و حقوق و مسئولیت‌های تازه‌تری شوند. این یک مرحله جدید است که باید امروز یا فردا، امکان گذار از آن را به دست آوریم...» (Kharounii, 2013: 155). بر این مبنا، آشکار است که حق آزادی ارتباطات، دیگر معانی محدود و مضیق خود در گذشته را از دست داده و امروزه، به لطف اینترنت جهانی، جایگاه والاتری نیز یافته است. در دنیای امروز، انسان‌ها نیازمند ارتباطات هر روزه با یکدیگر در زمینه مسائل و رخداد‌های مختلف هستند. در دنیایی به سر می‌بریم که منع ایجاد و تقویت ارتباطات میان انسان‌ها، امری است که برای مدت طولانی تحمل نخواهد شد، زیرا امروزه، آزادی ارتباطات، اگر نگوئیم حقی مهم‌تر از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها چون حق حیات، حق تعیین سرنوشت و ... نیست، کم‌اهمیت‌تر از آن‌ها نیز نخواهد بود.

۲.۲. مفهوم حق آزادی ارتباطات

حق آزادی ارتباطات، عبارت است از حق و امتیاز ناظر بر آزادی در تولید، ارسال و دریافت انواع پیام‌ها و برقراری انواع ارتباطات در فضای واقعی و مجازی؛ بی‌آنکه قیود و محدودیت‌های ساختاری یا عملکردی، بتوانند این آزادی را بدون توجیه کافی، خدشه‌دار کنند. دلیل اهمیت و جایگاه برجسته حق آزادی ارتباطات در گفتمان برخی صاحب‌نظران، آن است که تضمین برخی حق‌های بنیادین بشری از جمله حق تعیین سرنوشت، بدون برخورداری از حق بر آزادی ارتباطات، عملاً و عیناً ممکن نیست (Mcgoldric, 2012: 144). این حق از مقوله حق آزادی بیان و یکی از مصادیق مهم آن است و در اسناد حقوق بشری هم به همراه آن ذکر می‌شود. مثلاً در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به مرزهای کشورها، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا

به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد». بر همین اساس می‌توان گفت حق آزادی ارتباطات از مؤلفه‌های قابل توجه و به نوعی، مقدمه و پیش فرضی اساسی برای تضمین آزادی بیان است. حتی گفته شده است که آزادی بیان در معنای خاص خود سایر آزادی‌های رسانه‌ای، نظیر آزادی مطبوعات، آزادی کلام و آزادی ارتباطات را نیز در بر می‌گیرد (بیابانی و سلطانی‌فر، ۱۳۹۷: ۵۰). باری، در گذشته، این حق محدود به دریافت و ارسال اطلاعات فارغ از اراده دولت‌ها بود، اما امروزه معنای گسترده‌تری دارد و این مفهوم گسترده‌تر را اینترنت و ابزارهای ارتباطی اینترنتی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی تقویت می‌کنند (Appell, 2016: 108). اکثر نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حمایت از حقوق بشر نیز این حق را به عناوین مختلف تأیید کرده‌اند؛ از جمله شورای اروپا در سال ۲۰۱۵م، از اعضای این کمیته خواست تا حق هر شخص در کسب و دریافت اطلاعات تحت اختیار آن‌ها به استثنای اطلاعات مربوط به نهادهای قضایی، تقنینی و امنیتی، آن هم در پاره‌ای از موارد، تضمین شود و ابزارهای لازم برای نیل به این هدف برای یکایک شهروندان اتحادیه اروپا فراهم شود. از این‌رو، دیوان اروپایی حقوق بشر^۱ نیز ضمن تأیید جایگاه حق آزادی ارتباطات، در برخی آرای صادرشده خود، بر اهمیت و لزوم تضمین این حق توسط دولت‌ها به نفع شهروندان، تأکید کرده است. همچنین، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^۲ نیز در اعلامیه‌ای (موسوم به اعلامیه تضمین حق آزادی ارتباطات)^۳ که در ماه اوت ۲۰۱۵ صادر کرده است، به تصریح اعلام کرده که دولت‌ها باید انواع اطلاعات ضروری برای زندگی شهروندان را، به‌ویژه اطلاعاتی که در ارتباط با حیات و سلامت افراد جامعه است، به‌طور گسترده در اختیار مردم قرار دهند و وسایل تضمین دسترسی به این اطلاعات را فراهم کنند (Ranachander, 2016: 166). در گزارش سال ۲۰۱۴م گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد درباره آزادی بیان در آفریقا^۴ نیز آمده است: «هر کسی حق جستجو، دریافت و ارسال اطلاعات را دارد و اینکه این امر متضمن تعهد ایجابی دولت نسبت به یکایک شهروندان به‌منظور تضمین دسترسی آن‌ها به اطلاعات ضروری برای گذران زندگی و معیشت است» (Bannett, 2016: 242). باری، حق آزادی ارتباطات، امروزه، حق بشری به رسمیت شناخته شده‌ای است و دولت‌ها نمی‌توانند آن را در مورد شهروندان خود با محدودیت غیرقابل توجیه مواجه کنند.

۳.۲. مبانی حق آزادی ارتباطات

همان‌طور که در موضوع جایگاه آزادی ارتباطات گفته شد، مطالب ژان داری در دفاع از این حق جدید،

1. European Tribunal of Human Rights
2. American Commission on Human Rights
3. Declaration of Guaranteeing the Right to Freedom of Communication
4. 2014 Report of the United Nations Special Rapporteur on Freedom of Expression in Africa

بر دو استدلال اصلی استوار است: نخست، قابلیت‌های فنون و وسایل ارتباطی جدید و حق بشر برای استفاده از آن‌ها و دوم، آرمان دیرین بشریت برای ایجاد یک «جامعه ارتباطی»^۱ که در آن آحاد جامعه بالاترین سطح پیوند درون‌نسلی را با استفاده از تمامی ابزارهای ارتباطی به صورت تعاملی و افقی (نه یک‌سویه و عمودی) حفظ خواهند کرد. وی در این باره، در یکی از مقالاتش گفته است: «امروزه ارتباطات نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های شگفت‌انگیز زندگی اجتماعی دارد. اکنون با مشاهده پیشرفت سریع امکانات ارتباطی، بیش از هر زمان دیگری اهمیت آن را درک می‌کنیم.» (معلم‌نژاد و معلم‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۰؛ بهروزی، ۱۴۰۱: ۹۹). دغدغه‌های ژان داریسی درباره تأمین حق ارتباط و ایجاد جامعه‌ای ارتباطی و تعاملی، پیش از این هم از سوی برتولت برشت^۲، اندیشمند آلمانی، ارائه شده بود: «... باید رادیو را از یک وسیله پخش و انتشار، به یک وسیله ارتباط، تبدیل کرد. رادیو می‌تواند بهترین و جالب‌ترین وسیله قابل تصور ارتباطی برای مخاطبان باشد... رادیو به‌عنوان یک شبکه زنجیره‌ای بسیار گسترده، قادر است نه تنها برای دریافت پیام‌ها، بلکه برای انتقال و انتشار آن‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد. این وسیله ارتباطی، به شنونده امکان می‌دهد که نه فقط گوش بدهد، بلکه حرف بزند و به جای منزوی شدن، برای تماس داشتن، آمادگی پیدا کند...» (پلومان، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

باری، لزوم پاسخ‌گویی کارآمد دولت‌ها به نیازهای روزمره بشر درخصوص ارتباط وی با سایر هم‌نوعان خود چه در داخل یک کشور و چه در خارج از آن و آگاهی وی به احوال آن‌ها و جدیدترین یافته‌های علمی در همه عرصه‌ها از جمله پزشکی، صنعتی، محیط زیست، اقتصادی و غیره، جملگی گواه کافی بر لزوم شناسایی حق آزادی ارتباطات در دنیای امروز هستند (رحیمی، ۱۳۹۸: ۸۳). این امر بیانگر تعهد دولت‌ها به تأمین کامل زیرساخت‌های ضروری به‌منظور ارتقای کمی و کیفی ارتباط شهروندان در فضای سایبری است. در واقع حق شهروندان به دسترسی آزاد و بدون مانع به رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی به‌ویژه در فضای سایبری، در مقابل، تکلیف دولت به تأمین و تضمین این حق را به دنبال دارد و شهروندانی که به سبب ایجاد ممنوعیت‌ها و مسدودیت‌ها در دسترسی، دچار خسران می‌شوند، حق خواهند داشت دولت را طرف شکایت خود قرار دهند و جبران حقوق از دست‌رفته خود را از حاکمیت، مطالبه کنند. در اینجا است که می‌توان در ارتباط با حق آزادی ارتباطات، دولت را دارای دو وظیفه ایجابی و سلبی دانست: مطابق وظیفه ایجابی، دولت باید از همه ظرفیت‌های خود برای تضمین حداکثری حق آزادی ارتباطات استفاده کند و مطابق وظیفه سلبی دولت مجاز به هیچ نوع مداخله تحدیدی بدون دلایل منطقی و عقلایی نیست.

۱. Communicative Society: جامعه ارتباطی یا جامعه تعاملی (Interactive Community) از نظر ژان داریسی، جامعه‌ای است که در آن ارتباطات سنتی و نوین، مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری نظام تعاملی میان انسان‌هاست.

2. Bertolt Brecht

شورای اروپا به مثابه نهادی که تمرکز بالایی بر موازین حقوق ارتباطات و به ویژه مقوله تضمین حق آزادی ارتباطات داشته است، همواره به ایده «اینترنت باز»^۱ تأکید کرده است. به عقیده این شورا، در بند هفدهم توصیه نامه شماره ۶ خود، مصوب ۲۰۲۲، «... اینترنت سازگاری برای صیانت از حق آزادی ارتباطات شهروندان است و حتی در وضعیت‌های اضطراری نیز دولت‌ها مجاز به قطع کامل ارتباطات اینترنتی و سایبری نیستند. در این زمینه، فیلترینگ باید به صورت کاملاً موردی، مقطعی و استثنایی، موضوع تصمیم و اجرا قرار گیرد.» (Wacc, 2023: 44). همچنین، یکی دیگر از اصول بایسته‌ای که در اعلامیه آزادی ارتباطات اینترنتی مصوب این شورا، در ۲۸ مه ۲۰۲۰، مورد تأکید این شورا بوده، رفع موانع ایجاد «جامعه اطلاعاتی اشتراکی»^۲ است (Declaration, 2022: 22). باری، اصل کلی در موضوع ارتباط شهروندان با یکدیگر آزادی ارتباط است و فیلترینگ مخالف آن است. در واقع فیلترینگ، به ویژه اگر بنا بر تصمیم دولت‌ها عملی شود، حق آزادی ارتباطات شهروندان در داخل و خارج کشور را با مانع جدی مواجه می‌سازد، و خاصه اگر بر اساس تصمیمات سلیقه‌ای و شخصی و یا برای مدت‌های نامعین، عملی بشود، می‌تواند به وضوح مغایر حق آزادی ارتباطات در دنیای امروز محسوب شود.

۳. مفهوم فیلترینگ و موافقان و مخالفان آن

در این قسمت، معنای فیلترینگ و رویکردهای موافق و مخالف با آن، مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱.۳. مفهوم فیلترینگ

فیلترینگ به مجموعه اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که هدف از آن‌ها محدودسازی موقت یا مسدودسازی دائمی دسترسی به ابزارها و منابع اطلاعاتی است. در فیلترینگ، دسترسی افراد به منابع اطلاعاتی و چه بسا ابزارهای دسترسی به پایین‌ترین میزان و گاه به صفر می‌رسد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۷۰). پیش از این، گفته شد که فیلترینگ رفتاری معارض با حق آزادی ارتباطات است و البته حق‌های دیگری چون حق آزادی بیان نیز به واسطه فیلترینگ، با محدودیت مواجه می‌شود. با این حال، در موارد خاص و استثنایی، فیلترینگ راهکاری است که حاکمیت‌ها به منظور مدیریت برخی اقدامات تهدیدآمیز امنیتی یا نظامی برگزیده و اجرا می‌کنند. این راهکار استثنایی و خلاف قاعده در صورت وجود شرایط و الزاماتی می‌تواند قابل توجیه باشد، که در ادامه بررسی می‌شوند.

1. Open Internet
2. Shared Information Society

۲.۳. دیدگاه‌های موافقان و مخالفان فیلترینگ

در مورد نظارت و کنترل بر شبکه اینترنت نظرات مختلفی مطرح است (هیگ و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲۲). سه رویکرد عمده در این خصوص قابل شناسایی است. موافقان فیلترینگ که تعداد کمتری نسبت به دو دیدگاه دیگرند، اعتقاد دارند که فیلترینگ باید به‌طور کامل و بی‌قیدوشرط و در مدت‌های نامعین و حتی بدون قابلیت اعتراض، عملیاتی شود. این باور فکری، درواقع، معتقد به هیچ میزانی از گردش آزاد اطلاعات و هیچ سطحی از حق داشتن آزادی ارتباطات نیست. در مقابل، مخالفان فیلترینگ اعتقاد دارند که زمینه‌های فرایندهای تولید، گردش و دسترسی به اطلاعات، باید به‌طور کامل، آزاد و رها از قیود و شروط باشد. این رویکرد بر خلاف رویکرد اول، به هیچ میزان و سطحی از فیلترینگ باورمند نیست و با تفسیری بیشینه‌خواه و حداکثری از مقتضای حق آزادی ارتباطات، معتقد به عدم لزوم فیلترینگ کامل است (Hashemzadegan & Gholami, 2022: 189).

با نگاهی منصفانه و به دور از هر نوع پیش‌داوری و بدبینی، به نظر می‌رسد نمی‌توان با هیچ‌یک از دو رویکرد پیش‌گفته، موافق بود. حقیقت آن است که نه می‌توان به رویکرد ممنوعیت مطلق، پای‌بند بود و نه به دیدگاه آزادسازی مطلق. رویکرد اول، نه‌تنها با هیچ حق فطری بشری بلکه با هیچ‌یک از واقعیت‌هایی که در دنیای امروز با آن‌ها روبه‌رو هستیم، سازگار نیست. نامحدود شمردن فیلترینگ، بی‌قیدوشرط دانستن آن، مقید نکردن آن به مدت معین و یا عدم شناسایی امکان و راه اعتراض به آن، با موازین یک زندگی استاندارد در دنیای امروز بشریت، هم‌خوان و سازگار نیست و در مقابل، رویکرد دوم نیز نمی‌تواند تضمین‌کننده مسائل مهمی همچون امنیت روانی برای شهروندان باشد (Bashir & Nasrollahi, 2018: 12). رها کردن فضای سایبری و عدم اقدام مطلق برای فیلترینگ، موضوعی نیست که بتوان از آن دفاع کرد. همان‌گونه که ممنوعیت و انسداد کامل مورد تأیید نیست و رویه‌ای ضد حق‌های بشری شناخته‌شده در دنیای امروز است، آزادانگاری مطلق نیز توالی فاسد بسیار دارد و لزوماً تأمین‌کننده شرایط بهتر برای بشر امروز نیست (Stoycheff, 2018: 418).

بر همین اساس، طبق رویکرد سوم یا بینابین، به همان اندازه که آزادی ارتباطات و تعاملات از جمله در فضای سایبری میان ابنای بشر در دنیای امروز مهم است، پیش‌گیری از بسیاری مفسده‌ها از جمله اخلاقی و جنسی نیز یک ضرورت برای تأمین سلامت حیات بشر است. گاه، واقعاً در شرایط اضطراری باید اقدام به فیلترینگ کرد و با این کار، از بروز حوادث امنیتی که ممکن است آثار منفی جبران‌ناپذیر برای کلیت یک کشور داشته باشند، یا از بروز مفسده‌های اخلاقی و جنسی که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز و تشدید آن، فضای مجازی است و می‌تواند نسل‌های بشری به‌ویژه خردسالان را با چالش‌های جدی در سلامت و بهداشت اخلاقی، جنسی و جنسیتی مواجه کند، جلوگیری کرد (Master, 2023: 89).

در این مقاله نیز همین رویکرد تقویت شده است؛ مبنی بر اینکه در وضعیت‌های خاص امنیتی یا مخاطرات اخلاقی و جنسی، فیلترینگ اقدامی مفید به شمار می‌رود. ذکر مثالی برای توجیه رویکرد بینابین راهگشا است. در آگوست ۲۰۲۲، گوگل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موتورهای جستجو در پهنه اینترنت جهانی، قابلیت جستجوی ایمن^۱ یا «قفل کودک»^۲ را فعال کرد. این قابلیت، این امکان را برای والدین فراهم می‌کند تا سطح دسترسی و محتوای جستجوی فرزندان خردسال را در فضای مجازی کنترل کنند. هرچند این قابلیت نیز به مدد برخی ابزارها و نرم‌افزارها، می‌تواند غیرفعال شود، اما دلالت بر این دارد که درباره برخی از سنین خاص، باید زمینه جستجوی برخِط ایمن را تضمین کرد؛ زیرا امروزه کودکان و نوجوانان همانند بزرگسالان، در فضای مجازی حضور دارند، بنابراین، امکان محروم کردن دائمی و کامل دسترسی خردسالان به اینترنت بین‌المللی، چه‌بسا به‌طور کامل، امکان‌پذیر نباشد؛ اما در عین حال، می‌توان این دسترسی‌ها را تحت مراقبت و پایش مستمر قرار داد، زیرا بی‌تردید، بسیاری از محتواهای تولیدشده و یا در گردش در فضای سایبر به‌ویژه محتویات غیراخلاقی و جنسی، هرگز نمی‌تواند اطلاعاتی مفید برای کودکان و نوجوانان محسوب شود.

وضعیت فعال کردن قابلیت جستجوی ایمن در گوگل، با فیلترینگ اینترنت، قابل مقایسه است. همان‌گونه که قابلیت پیش‌گفته، در عین برقرارسازی دسترسی‌ها، آن‌ها را تحت کنترل درمی‌آورد، فیلترینگ نیز گاه، اقدامی ضروری برای حفاظت از زیرساخت‌های انسانی، اخلاقی، امنیتی، نظامی و ... کشور است. بر مبنای این تحلیل، می‌توانیم با مصادیقی که در آن‌ها فیلترینگ، مجاز و بلکه ضروری محسوب می‌شود، روبه‌رو باشیم. فیلترینگ مجاز، بر اساس رویکرد بینابین که پیش‌تر بررسی شد، سازگاری عقلایی برای تأمین و تضمین یک دسترسی امن، سالم و عاری از مخاطرات به فضای مجازی، محسوب می‌شود.

۴. مصادیق مجاز فیلترینگ

پیش از احصا و تحلیل موارد مجاز فیلترینگ، بر اصل کلی حاکم در این زمینه که همانا عدم فیلترینگ و استثنا بودن موارد مجاز فیلترینگ است، اشاره می‌شود. این «استثناانگاری»^۳ باید در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی راجع به فیلترینگ، مبنا قرار گیرد؛ زیرا به مقتضای حق آزادی ارتباطات، اطلاعات و داده‌هایی که دسترسی عمومی به آن‌ها با هیچ مانعی روبه‌رو نیست و هیچ مخاطره‌ای نیز در بر ندارد، از جمله حق‌های مسلم افراد است (Barry, 2019: 22). با این اوصاف، فیلترینگ اولاً باید به موجب قانون صریح و شفاف که محدوده و شرایط فیلترینگ را مشخص می‌سازد، صورت گیرد. ثانیاً در حالت فقدان

1. Safe Search
2. Child Lock
3. Exceptionalism

قانون یا نقص یا ابهام آن، باید به قدر متیقن اکتفا کرد. به سخن دیگر در حالت تردید نسبت به مضر بودن محتویات و اطلاعات، باید حکم به سلامت آن‌ها و رأی به بی‌اعتباری فیلترینگ داد. در بند سوم توصیه‌نامه شماره ۶ شورای اروپا مصوب ۲۰۲۲ (موسوم به توصیه‌نامه شورای اروپا پیرامون بایسته‌ها و الزامات مربوط به فرآیند فیلترینگ و تضمین حق آزادی ارتباطات)^۱ درباره این اصل آمده است: «... موارد اقدام به فیلترینگ، باید به ضروری‌ترین موارد که دلایل عقلانی کافی برای آن‌ها وجود دارد، محدود شود و نمی‌توان آن را به یک رویه متداول تبدیل کرد ... دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اقدام به فیلترینگ یک اقدام استثنایی خواهد بود ...» (Recommendation, 2022: 18). با درک این نکته اساسی، برخی از مهم‌ترین مصادیق فیلترینگ مجاز را می‌توان عبارت دانست از مواردی که در ادامه احصا و بررسی می‌شوند:

۱.۴. فیلترینگ در زمان بروز حملات تروریستی

حملات تروریستی که توسط گروه‌های سازمان‌یافته در گستره عمومی انجام می‌شود، جان شهروندان را به خطر می‌اندازد. بر این اساس، یکی از موارد مجاز فیلترینگ محدود کردن دسترسی به سایت‌ها و سامانه‌هایی است که مبادرت به تحریک یا آموزش اقدامات تروریستی می‌کنند و یا ظرفیت ایجاد رابطه این گروه‌ها با همدیگر را دارند. بدیهی است در این موارد، فیلترینگ محدود به سامانه‌های خاص مورد استفاده این گروه‌های تروریستی است، یا اگر گستره وسیع‌تری هم دارد، صرفاً محدود به فیلترینگ در محیط مورد حمله (مثلاً یک شهر خاص) است و نمی‌تواند کل یک استان یا کشور را شامل شود. بدیهی است که در حالت دوم، به محض برطرف شدن خطر حملات تروریستی، باید فیلترینگ برداشته شود. همچنین فیلتر سایت‌ها و سامانه‌های که به افشای اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده نظامی و امنیتی یک کشور مبادرت می‌کنند، از مصادیق فیلترینگ مجاز است، و خلاف اصل آزادی ارتباطات و اطلاعات نیست. در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هم به صورت ضمنی این حق به دولت‌ها داده شده است که اعمال این آزادی‌ها را گاه، منوط به محدودیت‌هایی کنند که به موجب قانون مقرر شده و به دلایل امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی ضروری هستند.

۲.۴. فیلترینگ دسترسی خردسالان به داده‌ها و سامانه‌های غیر اخلاقی

بخش قابل توجهی از کاربران فضای مجازی کودکان، نوجوانان و جوانان هستند. مزایای اینترنت برای این

1. Recommendation of the Council of Europe Regarding the requirements of the Internet Filtering Process and Guaranteeing the Right to Freedom of Communication (2022)

نسل بی‌شمار است، ولی هرگز نمی‌توان و نباید از مخاطراتی که فضای مجازی برای این قشر جمعیتی دارد، غافل بود. دسترسی آزاد این گروه را با حجم انبوهی از اطلاعات کنترل نشده روبه‌رو می‌کند که در میان آن‌ها، چه بسا، اطلاعات مخرب مربوط به مسائل جنسی و اخلاقی نیز وجود دارد. آزادسازی کامل دسترسی این گروه خاص و آسیب‌پذیر به فضای سایبری، طبعاً زمینه را برای آگاهی از این اطلاعات و داده‌ها نیز فراهم می‌سازد و بر این اساس، مقوله‌ای نیست که بتوان از پیامدهای ناگوارش گذشت. فیلترینگ سایت‌های حاوی اطلاعات و داده‌های مستهجن و مبتذل از جمله سامانه‌های پورن، هزینه‌نگاری و سواستفاده‌های جنسی، به‌عنوان یک نمونه، اقدامی ضروری برای کنترل میزان و نحوه دسترسی خردسالان به فضای مجازی است. البته ذکر این نکته لازم است که با توجه به تبعات ناخوشایند ابتلا و اعتیاد به مشاهده داده‌های غیراخلاقی مربوط به مسائل جنسی بر جسم و روان کاربر و نیز بر مقولات کلان‌تری چون کیان خانواده، استحکام روابط زوجین و مسائل مربوط به اخلاق جنسی در سطح جامعه، محدودسازی یا مسدودسازی دسترسی‌ها به چنین داده‌ها یا سامانه‌هایی، فقط به سود خردسالان نیست، بلکه چه بسا بزرگسالان جامعه نیز از آن منتفع شوند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۷۶).

۳.۴. فیلترینگ سامانه‌ها و داده‌های مجرمانه

اینترنت در کنار همه مزایا، فضایی برای تبلیغ عمومی بزهکاری‌ها، جذب همکاری‌های مجرمانه، ارتکاب جرم‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی نیز هست. برخی از سامانه‌ها و داده‌ها، به معنای واقعی کلمه، «بزه‌خیز» (جرم‌پرور) هستند و زمینه‌های مساعد بزه‌کاری و خلاف‌کاری را فراهم می‌کنند. نمونه بارز این‌گونه داده‌ها، بازی رایانه‌ای موسوم به «نهنگ آبی» است که بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ میلادی، به سرعت در فضای مجازی بین‌المللی منتشر شد و به‌عنوان یک چالش، میان نوجوانان و جوانان گسترش یافت. مرحله آخر این بازی اینترنتی، تشویق به خودکشی کاربر بود، به‌نحوی که عدم اقدام کاربر به آن، به معنای شکست او در این بازی بود! میرهن است که این بازی رایانه‌ای را نمی‌توان برای نسل خردسال و جوان جامعه، بازی مطلوب و سازنده‌ای ارزیابی کرد. بر این اساس، فیلترینگ چنین داده‌هایی و نیز سامانه‌های دربردارنده این قبیل داده‌ها، برای حفاظت از سلامت و تمامیت جسمانی و روانی کاربران، اقدامی مجاز بلکه ضروری به شمار می‌رود.

توجه به این موارد، در رویکرد تقنینی برخی کشورها مشهود است. نمونه بارز این کشورها بلژیک و ژاپن است. در سال ۲۰۱۷ میلادی و به دنبال بروز و تشدید برخی تهدیدات و اقدامات امنیتی گروه‌های تروریستی در سطح اروپا، به‌ویژه از سوی گروه تروریستی داعش، پارلمان بلژیک اقدام به تصویب قانونی

موسوم به «قانون حفظ ارتباطات اینترنتی و امنیت ملی»^۱ کرد. یکی از سرفصل‌های مهم این قانون، تعیین فیلترینگ به‌عنوان یکی از روش‌های کنترل فضای سایبری برای کاهش دادن زمینه‌های تبلیغات گسترده گروه‌های تروریستی و اقدام به جذب پیکارجو از میان کاربران اینترنتی است. البته، هدف از تصویب فیلترینگ در این قانون، مراقبت بیشتر و هدفمندتر از ایمنی رفتاری و سلامت اخلاقی و جنسی کودکان و نوجوانان در عرصه ارتباطات سایبری نیز بوده است. از سوی دیگر، در مواد ۳۹ تا ۴۷ این قانون الزاماتی که باید بر فرآیند فیلترینگ حاکم باشند، مقرر شده است که در مجموع، همان مواردی است که پیش از این، در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت. کارگروه اجرایی فیلترینگ در وزارت کشور بلژیک، در گزارشی که در سال ۲۰۲۳ پیرامون نحوه اجرای قانون مورد اشاره از سال ۲۰۱۷ تدوین کرده است، به مزیت‌های عملی اجرای این قانون اشاره داشته و صراحتاً اعلام کرده است که دولت بلژیک خواهد کوشید ضمن احترام به حق آزادی ارتباطات، زمینه را برای مسدودسازی‌های قانونمند، موقت و توجیه‌پذیر راجع به دسترسی به محتویات و اطلاعات نامطلوب، به‌ویژه اطلاعاتی که در مقام تبلیغات تروریستی، اقدامات ضد امنیتی، فعالیت‌های مخرب اخلاقی و جنسی، به‌خصوص برای گروه‌های سنی حساس، فراهم کند (Country Repot, 2023: 13).

همچنین، کشور ژاپن نیز، که از جمله کشورهای پیشرفته در زمینه ارتقای دسترسی‌های مداوم به پهنه اینترنت در سطح جهان است، در سال ۲۰۱۹ میلادی، به اهمیت فیلترینگ‌های ضروری در موارد ضروری پی برد و بر این اساس، پارلمان این کشور، قانونی موسوم به «قانون تضمین دسترسی‌های امن فضای سایبر»^۲ را در این سال، به تصویب رساند. به موجب مواد ۱-۱۴ تا ۸-۱۸ این قانون، مجموعه‌ای از تدابیر حفاظتی و ایمنی‌محور برای تأمین و تضمین شرایط دسترسی امن و پایدار به عرصه سایبری در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس این مقررات و نیز مطابق رویکرد حاکم بر این قانون، دولت ژاپن در موارد ضروری که دلایل کافی از جمله مسائل امنیتی، حفاظت داده‌های شخصی، پیش‌گیری از اقدامات ضد امنیت کشور، جلوگیری از تحرکات سیاسی کره‌شمالی، عضوگیری‌های مجازی از کاربران توسط گروه‌های تروریستی و ... برای احراز آن باید وجود داشته باشد، فیلترینگ می‌تواند به‌صورت محدود، قانونمند و موقت به اجرا درآید (Yau & Wong, 2021: 33).

بدین ترتیب، اگرچه اصولاً فیلترینگ پدیده‌ای ناپسند و خلاف موازین حقوق بین‌الملل بشر است، ولی در مواقع مواجهه با تهدیدات و مخاطرات پیش‌گفته، اقدامی قابل توجیه و مناسب است، و سیاست تقنینی دو کشور بلژیک و ژاپن نیز مؤید این موضوع است. از این رو طبیعی است که رعایت الزامات و بایسته‌های حاکم بر فیلترینگ، هم‌چنان که در قوانین این دو کشور هم آمده و موضوع مبحث بعدی است، ضروری باشد.

1. The Protection of Internet Communications and National Security Act (2017)
2. The Guarantee Safe Access to Cyber Space Act(2019)

۵. قواعد و موازین حاکم بر فیلترینگ مجاز

فیلترینگ، حتی اگر بنا بر ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌هایی از جمله رویارویی با موارد و مصادیق پیش‌گفته، موضوع تصمیم‌ها قرار گیرد، فرایندی بدون ضابطه و قاعده نیست، بلکه مبتنی بر برخی قواعد و ضوابطی است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۵.۱. قابل پیش‌بینی بودن فیلترینگ

چنانکه گفته شد، اصل بر آزادی ارتباطات شهروندان در فضای واقعی و مجازی است. بر این اساس، تا زمانی که قانون ارتکاب رفتاری را ممنوع و یا مجرمانه اعلام نکرده باشد، نمی‌توان بی‌دلیل و بی‌محابا وارد ساحت روابط و تعاملات افراد شد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷۰)؛ بنابراین فیلترینگ همواره باید مسبوق به اعلام باشد (Council of Europe, 2022: 22). به عبارت دیگر، منابع و ابزارهای اطلاعاتی که حاکمیت قصد ممنوع یا مسدودسازی آن‌ها را دارد، باید قبلاً به‌طور دقیق و از مجاری تقنینی، به‌صورت عمومی و نه در پستوها و محافل مخفی و برای همگان، اعلام و شفاف‌سازی شده باشند.

شورای اروپا در بند هفتم توصیه‌نامه شماره ۶ مصوب ۲۰۲۲ خود، درباره اصل قابل پیش‌بینی بودن فیلترینگ، مقرر می‌دارد: «... مسدودسازی‌ها یا ممنوعیت‌سازی‌ها برای دسترسی به اینترنت، باید امری قابل پیش‌بینی باشد به‌نحوی که بهره‌وران و کاربرانی که به‌صورت قانونی از پهنه اینترنت بین‌المللی استفاده می‌کنند، قبل از شروع فیلترینگ، از آن مطلع بوده و بتوانند از راه‌های جایگزین برای حفظ ارتباطات سایبری خود، استفاده کنند...» (Recommendation, 2022: 19).

بدین ترتیب ضوابط فیلترینگ، باید روشن و منجز باشد، تا هر شهروند بدانند در برابر انتشار چه داده‌هایی مسئولیت دارد و موارد فیلتریگ توسط حکومت را هم بتواند پیش‌بینی کند. بدیهی است مسدودسازی گسترده و بی‌ضابطه با توسل به تعابیری کلی چون «اقدام علیه امنیت ملی»، «تشویش اذهان عمومی»، «همکاری با دولت‌های متخاصم»، و «بر هم زدن نظم اجتماعی» خلاف چنین ضابطه‌ای است.

۵.۲. اعتراض‌پذیر بودن فیلترینگ

اصل بر صحت و مشروعیت منابع و ابزارهای اطلاعاتی و نحوه دسترسی به آن‌هاست و قاعده پنداشتن فیلترینگ ضد ارزش است (صدقی، ۱۳۹۸: ۵۵). در واقع فیلتر شدن را باید نوعی مجازات برای رفتاری

1. Predictability
2. Objectionability

غیرقانونی تلقی کرد. همانگونه که حکم به مجازات، باید قابل اعتراض باشد تا چنانچه حقی از متهم تضییع شده است، امکان جبران خسارت یا اعاده حیثیت و حقوق از دست رفته وی فراهم باشد، فیلترینگ هم باید اقدامی قابل اعتراض محسوب شود (صفری، ۱۳۹۹: ۷۲؛ Howard, 2013: 144). زیرا کسانی که تصمیم به فیلترینگ می‌گیرند، هیچ‌گاه مصون از خطا نیستند و به همین دلیل، احتمال اینکه در اخذ یا اجرای تصمیم به فیلترینگ دچار اشتباه شده باشند، بسیار زیاد است. یک حقیقت غیرقابل کتمان و غیرقابل انکار در مورد فیلترینگ وجود دارد و آن این است که، این اقدام حتی در حداقلی‌ترین سطح خود، ممکن است بستری برای سواستفاده حاکمان و دولت‌مردان از قدرت باشد. با فرض وجود چنین امکانی، ظالمانه‌ترین رفتار حاکمیت آن است که اعتراض به فیلترینگ از سوی کسی که حق‌های بنیادین بشری یا شهروندی خود به واسطه این اقدام تضییع شده است، پذیرفته نشود (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۹۸: ۴۸).

شورای اروپا در بند ۸ توصیه‌نامه شماره ۶ خود که در دسامبر ۲۰۲۲ صادر کرده، رهنمودهایی را در راستای ترویج احترام به حق شهروندان در هنگام فیلترینگ، ارائه کرده است: «... کاربران باید بتوانند نسبت به فیلترینگ‌های فراقانونی یا فراقضایی، امکان اعتراض داشته باشند...» (Recommendation, 22: 2022). بر این اساس، به نظر می‌رسد یکی از تکالیف مهم دولت‌ها در برابر شهروندان این است که تضمین کنند، محتوایی که به اشتباه فیلتر شده است در مدت زمان معقول، مجدداً در دسترس قرار گیرد و نسیبه به فرد یا نهادی که به واسطه فیلترینگ بی‌دلیل، حقوقش را از دست رفته می‌بیند، جبران لازم چه به صورت مالی و چه به صورت حیثیتی، صورت گیرد. بر این مبنای دولت‌ها مکلفند نسبت به امکان اعتراض و دادخواهی شهروندان نسبت به فیلترینگ‌های بی‌اساس، اطمینان حاصل کنند.

۳.۵. معین بودن مدت فیلترینگ

انسدادسازی‌های غیرمقید به زمان، اقدامی به شدت مضر برای کسب و کارهای اینترنتی و ارتباطات سایبری افراد در حوزه‌های مختلف، از جمله عرصه‌های علمی و تبادل دانش نیز هست. شورای اروپا در بند نهم توصیه‌نامه ۲۰۲۲ خود، مقرر می‌دارد: «... فیلترینگ‌های دائمی یا مسدودسازی‌هایی که مدت مشخصی ندارند، حق آزادی ارتباطات را به شدت محدود می‌کنند... دولت‌ها باید تضمین کنند که فیلترینگ در مدت معین و موقت به اجرا درخواهد آمد، تا کاربران اینترنتی بتوانند در مدت مسدودسازی‌های دسترسی، نسبت به استفاده از روش‌های جایگزین دسترسی، با چالش روبه‌رو نباشند...» (Recommendation, 22: 2022). بدین ترتیب، فیلترینگ حتی اگر بنا بر برخی ملاحظات سیاسی، امنیتی، نظامی و ... توجیه‌پذیر باشد، نمی‌تواند برای مدت نامحدود و دائمی صورت گیرد. فیلترینگ‌هایی

که برای مدت‌های نامعین وضع شده‌اند و به اجرا درمی‌آیند، آشکارا حق آزادی ارتباطات را نه فقط در سطح ملی، بلکه در سطوح فراملی نقض می‌کند؛ زیرا امروزه، اینترنت پدیده‌ای محدود به مرزهای داخلی کشورها نیست و بعدی کاملاً بین‌المللی دارد. بنابراین ضروری است که در هنگام فیلترینگ، مدت آن اعلان شود و قطع دائم دسترسی کاربران به پایگاه، منوط به تکرار خطا شود؛ نه آنکه در اولین اقدام، پایگاه به مدت نامعلومی توقیف شود.

۵.۴. نظارت‌پذیر بودن^۱ فیلترینگ

این قاعده به پایش‌پذیری فیلترینگ مربوط می‌شود. بر اساس این ویژگی، فیلترینگ سامانه‌ها و داده‌ها باید به صورت نوبتی و دوره‌ای، مورد پایش قرار گیرد تا موارد و مصادیق فیلترینگ‌های فراقانونی یا فراقضایی یا حتی غیرضروری، مشخص و از تداوم آن‌ها جلوگیری شود. بدون این پایش مستمر و دائمی، رفته‌رفته، فیلترینگ به یک رویه مرسوم تبدیل، و از حالت استثنا خارج می‌شود. شورای اروپا در بند سیزدهم توصیه‌نامه^{۲۰۲۲} خود، به این امر بایسته تصریح کرده است (Recommendation, 2022: 23). در تحلیل این موضوع، باید گفت نظارت‌پذیر کردن فیلترینگ، حلقه مکمل زنجیره بایدهایی است که به منظور اعمال محدودیت‌ها و مسدودسازی‌ها فراروی دسترسی به منابع اطلاعاتی در عرصه اینترنت، می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. بدین ترتیب، بدون پایش‌پذیر کردن فیلترینگ، نمی‌توان آسیب‌ها و مخاطرات ناشی از این اقدام را به خوبی، شناسایی کرد.

۵.۵. ضروری بودن^۲ فیلترینگ

یکی از الزامات حاکم بر فیلترینگ اینترنت، توجه به ضرورت داشتن (یا اکتفا به حد ضرورت) برای اقدام به فیلترینگ است. شورای اروپا در توصیه‌نامه^۳ «الزامات ناظر بر سیاست‌گذاری‌های مربوط به فیلترینگ اینترنت»^۳ که در ابتدای سال ۲۰۲۲ میلادی و در نقد رویه عملی برخی دولت‌ها از جمله چین، کره شمالی و کوبا در اقدام به فیلترینگ صادر کرده، اعلام داشته است: «... با توجه به مبانی دموکراسی و آزادی‌های شهروندی، فیلترینگ اینترنت و ارتباطات مجازی افراد، باید به ضروری‌ترین امور و مسائل، محدود بماند...» (UNESCO, 2022: 713).^۴ در راستای اصل اکتفا به ضرورت در فیلترینگ، یک الزام

1. Monitorability

2. Necessity

3. Recommendation of the Requirements Governing the Policies related to Internet Filtering(2022)

۴. به نظر می‌رسد نظارت‌پذیر بودن و ضروری بودن فیلترینگ را باید در پیوند کامل با یکدیگر دید؛ با این توضیح که لازم است مصادیق محتواها یا اطلاعاتی که در شمول فیلترینگ قرار گرفته‌اند، به صورت نوبه‌ای و منظم، بازبینی شوند تا

مهم خودداری از فیلترینگ سایت‌ها یا محتواهایی است که به صورت روزمره، محل رجوع شهروندان هستند و افراد با مراجعه به این سایت‌ها یا استفاده از این محتواها، معیشت و امور جاری زندگی هر روزه را سامان می‌بخشند. نمونه بارز این سایت‌ها یا محتواها، سیستم‌های بانکی، سیستم‌های پرداخت یا واریز، سیستم‌های دریافت حقوق و دستمزد، سایت‌های علمی و پژوهشی، به‌ویژه برای قشر دانشگاهی و صاحبان اندیشه و قلم^۱، سایت‌های خرید بلیط یا ویزا برای انجام سفرهای کاری ضروری، سایت‌های آموزشی به‌ویژه آموزش از راه دور و نیز سایت‌ها یا اطلاعاتی است که از کسب و کارهای اینترنتی حمایت می‌کنند، هستند. تصمیم‌گیران به فیلترینگ، همواره باید بدانند که اقدام به فیلترینگ این قبیل سایت‌ها، امور روزمره مردم را به شدت، با چالش روبه‌رو می‌سازد.

۵.۶. قانون‌مدار بودن^۲ فیلترینگ

فیلترینگ یک استثنا بر اصل آزادی ارتباطات و سایر حق‌های مرتبط است و از آنجا که باعث محدودسازی این حق می‌شود، باید مبتنی بر قانون و رعایت همه مقررات ماهوی و شکلی ناظر بر آن باشد. با بررسی قوانین یا رویه‌های عملی مرسوم در بسیاری از کشورهایی که اینترنت به‌طور قطعی و گسترده در آن‌ها رخنه کرده است، کشوری را نمی‌توان یافت که در خصوص دسترسی به سایت‌های اینترنت، به آزادی مطلق و فارغ از هر قیدوشرطی قائل شده باشد (Husovec, 2023: 17). با این حال، این قیدوشرط‌ها و محدودیت‌ها باید توسط قانون معین شود. شورای اروپا در بند دهم توصیه‌نامه مصوب ۲۰۲۲ خود، در این خصوص گفته است: «... هرگونه ایجاد ممنوعیت موقت یا دائمی در ارتباط با حق‌های بشری و شهروندی، باید مبتنی بر قانون باشد و به صورت قانونی به اجرا درآید. در غیر این صورت، ایجاد محدودیت‌های غیرقانونی نسبت به حق‌های بشری و شهروندی، مردود و مطرود خواهد بود... این قاعده کلی در ارتباط با نحوه فیلترینگ نیز حاکم است...» (Recommendation, 2022: 24). دفتر دادستانی

چنانچه دیگر نیاز به مسدود کردن محتوا، اطلاعات یا رسانه خاصی وجود نداشت، محدودیت یا ممنوعیت دسترسی به

آن‌ها لغو شود و صرفاً موارد و مصادیق ضروری در شمول فیلترینگ قرار گیرند.

۱. در این زمینه، بی‌تردید، رفع ممنوعیت‌ها و محدودسازی‌های بی‌دلیل و فاقد مبنا به‌ویژه برای کاربرانی که نیاز مشروع به

محتوای ممنوعه در شرایط استثنایی دارند (نظیر فعالیت‌های پژوهشی، علمی و آزمایشگاهی)، یک قاعده بنیادین است.

۲. The Rule of Law (Being law-abiding / law-based): قانونی عمل کردن دولت‌ها و حاکمیت‌ها برای فیلترینگ،

شائبه استبدادپیشگی آن‌ها را کم‌رنگ‌تر می‌کند و موجب می‌شود که رفتارهای فراقانونی در مسیر مسدودسازی‌ها و

محدودسازی‌ها، قابل اعتراض و پیگرد قضایی باشند. در یک نکته نباید تردید کرد و آن اینکه، فیلترینگ در ذات خود

یک ممنوعیت است و تمام ممنوعیت‌ها باید مبتنی بر قانون شفاف و صریح باشند. بدون وجود قانون، اقدام به

فیلترینگ، آفتی چه بسا جبران‌ناپذیر به رابطه مسالمت‌آمیز حاکمیت و شهروندان وارد می‌کند (اسدی، ۱۳۹۵: ۷۳ و

گرچی از ندریانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵-۲۷).

فدرال در ایالات متحده آمریکا، در گزارش ماه می ۲۰۲۳، در نقد رویکرد برخی کشورها در باب فیلترینگ از جمله چین و کره شمالی اعلام می‌کند: «فیلترینگ بدون وجود قانون، در واقع، یک مجازات مضاعف برای شهروندانی است که از یک سو، دسترسی کافی به منابع و ابزارهای اطلاعاتی نداشته‌اند و از سوی دیگر، همان مقدار دسترسی ناچیز هم نسبت به آن‌ها ممنوع اعلام شده است.» (Attorney General, Department, 2023: 111).

در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌خوانیم: «هر شهروند جامعه بشری، در زمینه بهره‌مندی از آزادی‌ها و نیز اعمال حق‌های خود، فقط مقید به آن محدودیت‌هایی است که قانون وضع می‌کند...»؛ همچنین، بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، پس از تصریح به لزوم تأمین و تضمین حق آزادی بیان، مقرر کرده است: «ایجاد هر نوع محدودیت یا ممنوعیت نسبت به اجرای [این] آزادی‌ها [از جمله آزادی بیان و آزادی ارتباطات]، صرفاً به موجب قوانین شفاف و کارآمد، امکان‌پذیر است...» (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

با مذاقه در برخی از بندهای مقرر در توصیه‌نامه شماره ۶ شورای اروپا، مصوب ۲۰۲۲، در مورد الزامات و بایسته‌های حاکم بر فیلترینگ از جمله بندهای چهاردهم و پانزدهم نیز می‌توان به این نتیجه مبرهن دست یازید که آزادی‌های شهروندی، هیچ‌گاه، مطلق نخواهند بود؛ بلکه امکان ایجاد ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها درباره آن‌ها وجود دارد؛ ولی نکته مهم این است که ایجاد ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها صرفاً به موجب قوانین شفاف و براساس دلایل عقلایی کافی، ممکن خواهد بود. بر همین مبناست که تأکید بر آن است که قبل از هر گونه اقدام به فیلترینگ اینترنت، باید افکار عمومی در مورد آن آگاه، و نیز شهروندان به نحو مکتفی درباره لزوم فیلترینگ، توجیه شوند (Recommendation, 2022: 26). باری، دولت‌ها نمی‌توانند درخصوص مخاطرات امنیتی و اخلاقی، از جمله هرزه‌نگاری از زنان یا اطفال، و تولید و ارائه محتویات مستهجن در سایت‌های اینترنتی، بی‌تفاوت باشند؛ لاجرم، باید پیرامون نحوه و سطح دسترسی‌ها به فضای تولید و تبادل اطلاعات در محیط سایبری، اقدام به قاعده‌گذاری حقوقی کنند؛ اما این محدود یا ممنوع‌سازی‌ها باید مبتنی بر قانون باشد، و این امری است که بسیاری از نویسندگان (Ferdinand, 2013: 166; DeTan, 2013: 253) بر آن تأکید دارند. در واقع قانون‌مندی مبنای عمده فیلترینگ است (میرعمادی، ۱۳۹۴: ۶۱) و فیلترینگ‌های افراط‌گونه و فراقانونی، خود، بستری برای نقض دیگر حق‌ها و آزادی‌های فطری بشری و شهروندی خواهد شد و راه را برای تولید و

۱. از جمله در ایالات متحده، فیلترینگ با هدف ایجاد محدودیت‌ها یا مسدودسازی‌ها راجع به محتوای مربوط به هرزه‌نگاری کودکان، صورت گرفته و در این زمینه در این کشور قانون‌گذاری انجام شده است. در این زمینه، بنگرید به: رستم‌علی‌زاده و حاجی‌ملا میرزایی، ۱۳۹۹: ۱۶۶۴-۱۶۸۱.

عرضه بی‌حد و حصر فیلتر شکن‌ها، که خود می‌توانند توالی فاسد از حیث دسترسی‌های نامحدود و کنترل نشده به فضاهای تولید و تبادل اطلاعات در عرصه سایبری به دنبال داشته باشند، خواهد گشود. نتیجه اینکه اصل قانون‌مداری مقتضی آن است که هر نوع مسدودسازی یا محدودسازی‌های دسترسی به اینترنت، مسبوق به قانون‌گذاری در این باره باشد؛ به نحوی که مراجع ذی‌صلاح تقنینی، پیش از اقدام دولت به فیلترینگ، امکان قانونی آن را با تصویب مقررات شفاف و صریح، فراهم آورده باشند.

۶. نتیجه‌گیری

امروزه دسترسی به اینترنت و ابزارهای آن، آمیختگی کامل با زندگی بشر دارد. بر این اساس، حق آزادی دسترسی بشر به اینترنت و ابزارهای متنوع و گسترده آن که از مقوله‌های آزادی بیان است، قابل انکار نیست. این حق باید توسط حاکمیت‌ها در خصوص شهروندان خویش تضمین شود، پس یکی از نکات مهمی که هرگز نباید مورد غفلت واقع شود، آن است که حاکمیت‌ها نمی‌توانند بدون توجیه عقلایی کافی، اقدام به مسدود کردن یا توقیف اینترنت کنند. با این حال، در مواردی استثنایی، فیلترینگ می‌تواند مجاز باشد و آن مواردی نظیر حملات تروریستی، فیلترینگ دسترسی کودکان به موارد مستهجن و غیراخلاقی و فیلترینگ سامانه‌های مجرمانه است.

در هر حال، اصل کلی آن است که فیلترینگ (دسترسی‌ناپذیری)، خواه به صورت مسدودسازی‌های دائمی و خواه به صورت محدودسازی‌های موقتی، به خودی خود، عاملی برای نقض حق آزادی ارتباطات است، و بر این پایه، فیلترینگ امری استثنایی و راهکاری موردی و مقطعی است که توسل به آن باید مستظهر به ادله توجیه‌پذیر و کافی باشد. در عین حال، موارد استثنا برای توجیه اقدام به آن نیز نباید به اندازه‌ای موسع باشند که اصل حق دسترسی آزاد به منابع و گردش اطلاعات از جمله از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را زیر سوال ببرد.

به طور کلی، باید به یاد داشت که فیلترینگ اینترنت، حتی اگر همه اصول، موازین و الزامات حاکم بر آن هم رعایت شود، به هر حال، یک محدودیت جدی فراروی آزادی ارتباطات است و بر این پایه، توسعه‌طلبی در مصادیق محتوا یا اطلاعات یا رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی مشمول فیلترینگ را آشکارا معارض با مقتضیات حق آزادی ارتباطات می‌دانند. به بیان واضح‌تر، باید همواره آزادی ارتباطات را یک اصل و فیلترینگ را یک استثنا در نظر گرفت؛ پس باید به موارد مهمی توجه داشت: ۱. هیچ محدودیت یا مانعی نباید حق آزادی ارتباطات را به طور کلی، حذف و یا از محتوای اصلی‌اش تهی کند؛ ۲. هیچ استثنایی، از نظر قلمرو، نمی‌تواند وسعت بیشتری از اصل حاکم بر خود پیدا کند؛ زیرا این موضوع تخصیص اکثر یا بنا بر برخی تعابیر، استثنای اغلب را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، که کاملاً غیرعقلایی است؛

۳. امر استثنایی، باید تصریح شود و هرگز نباید به ابهام و اجمال برگزار شود؛ و ۴. همواره یک موضوع استثنایی باید به نحو مضیق تفسیر شود.

فقدان قانون مشخص و مصوب در زمینه فیلترینگ اینترنت در کشور ما، راه را برای تفسیرهای دلخواهی و سلیقه‌ای فراهم کرده است. به نظر می‌رسد موضوع به اندازه‌ای از اهمیت باشد که تصویب قانون خاص در مورد آن را در کشور ما توجیه‌پذیر کند. استناد به موارد و توجیحات کلی در این باره، به نظر، چندان مناسب و راه‌گشا نیست. بر این اساس، تدوین و تنظیم قوانین و مقررات خاص و ویژه در رابطه با الزامات حاکم بر اعمال فیلترینگ در اینترنت ایران، با لحاظ چند اصل بنیادین و اساسی در این زمینه، از جمله استثنانگاری، ضرورت و حداقل‌گرایی، یک پیشنهاد اصلی و قابل توجه است. در واقع، باید سعی کرد فیلترینگ به حداقل ممکن برسد و تنها در موارد بسیار ضروری و بنابر دلایل و قرائن کاملاً متقن و قابل توجیه صورت گیرد.

در حال حاضر، این دلائل را می‌توان عبارت دانست از امنیت ملی^۱، نظم عمومی^۲ و اخلاق حسنه^۳. بر این اساس، هرگاه دسترسی‌های عمومی به فضای مجازی و اینترنت، به صورت واقعی و عینی و بنابر یک قضاوت ریشه‌دار در افکار عمومی و نه بر اساس استنباطها، معیارها و اعمال سلیقه‌های شخصی، مغایر با مقضای هر یک از این سه مورد باشد، اقدام به فیلترینگ مشروع و موضوع در گستره مصادیق فیلترینگ مجاز خواهد بود. چنانچه افکار عمومی در این مورد، قناعت لازم را حاصل کند، همراهی شهروندان به صورت همگانی با اقدام حاکمیت برای اعمال فیلترینگ نیز بیشتر خواهد بود و در غیر این

۱. National Security: امنیت ملی را می‌توان توانایی یک کشور برای حفاظت از منافع و زیرساخت‌های حیاتی خود در برابر تهدیدهای خارجی یا داخلی دانست. به دیگر بیان، امنیت ملی در مضمون بودن و ایمن ماندن یک کشور از تمام مصادیق تعرض و تعدی است که می‌تواند بقای آن کشور را با مخاطره مواجه کند. به‌طور قطع، در یک دیدگاه ترکیبی و بر اساس یک استنباط چندوجهی، امنیت ملی، شامل امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، و ... است. برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم امنیت ملی، بنگرید به: رادمهر، ۱۳۸۵: ۲۵-۳۹؛ کدخدایی و جلیلی، ۱۴۰۳: ۱-۲۴

۲. Public Order: نظم عمومی جلوه‌ای از انتظام عمومی حاکم بر جامعه در شئون مختلف معاملاتی و غیر آن است. نظم عمومی را می‌توان دربرگیرنده استانداردهای رفتاری دانست که به‌طور معمول، از سوی قانون موضوعه، پشتیبانی می‌شوند و نقض آن‌ها نیز حسب مورد، با ضمانت‌اجراهای قانونی مواجه می‌شود.

۳. Good Morals: اخلاق حسنه را می‌توان مجموعه‌ای از استانداردهای رفتاری دانست که به‌طور غالب، عرف عامل اصلی شکل‌گیری آن‌هاست، بنابراین، بسته به تفاوت زمان و مکان، گستره این استانداردها نیز متمایز می‌شود. نقض مصادیق اخلاق حسنه، لزوماً با ضمانت‌اجراهای قانونی روبه‌رو نمی‌شود؛ با این حال، اگر نگوئیم همه شهروندان حاضر در یک جامعه انسانی و مدنی، دست‌کم اکثریت آن‌ها خود را ملتزم به این استانداردهای رفتاری می‌دانند و تخطی از این استانداردها را حداقل برای خود، امری غیراخلاقی یا خلاف مقتضای وجدان، محسوب می‌کنند. برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم نظم عمومی و اخلاق حسنه، بنگرید به: شهابی و شهیدی، ۱۳۹۷: ۵۱۱-۵۲۸

صورت، از سوی طبقه شهروندی، یک تعدی آشکار به حریم آزادی‌های فردی دانسته خواهد شد و مورد استقبال قرار نخواهد گرفت.

در همین زمینه، باید افزود که ایجاد تعادل میان حق آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات و مصادیقی که در شمول فیلترینگ مجاز قرار می‌گیرند، ضروری است. در واقع حاکمیت باید بتواند ضمن پاسداشت حق شهروندان به آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات، مواردی را که دسترسی به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباطی، خود، زمینه‌ساز مخاطرات نسبت به حریم امنیت اخلاقی شخصی و یا امنیت ملی عمومی است، شناسایی و اقدام به محدودسازی یا مسدودسازی دسترسی‌ها کند. به نظر می‌رسد با ابتدای امر بر استثناانگاری فیلترینگ و با پای‌بندی دولت به اصول بنیادینی چون اصل ضرورت و اصل قانون‌مندی در هنگامه اقدام به فیلترینگ، می‌توان توازن مورد انتظار را برقرار ساخت؛ به این نحو که اصل بر آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات گذارده شود و هر جا که این آزادی، خود به امری مخاطره‌آمیز تبدیل شد و توانست در زمره مصادیق مجاز فیلترینگ قرار گیرد، محدود شود. در چنین وضعیتی، انتظار همراهی شهروندان با اقدام حاکمیت مبنی بر فیلترینگ توقعی به‌جاست.

البته باید خاطرنشان کرد که هر یک از مفاهیم پیش‌گفته (امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق حسنه) می‌توانند محل تفسیر و دربردارنده گستره و شمول وسیعی باشند، پس دست سیاست‌گذاران در زمینه فیلترینگ، با استناد به هر یک از این مفاهیم، باز خواهد بود. به همین دلیل، لازم است گستره این مفاهیم به‌صورت موردی، مصداقی و عینی (نه فقط ذهنی) دقیقاً محل توجه قرار گرفته و مشخص شود تا از تفسیرهای شخصی و رفتارهای سلیقه‌ای، ممانعت به عمل آید. در هر صورت، فیلترینگ باید آخرین راه باشد. با در نظر گرفتن همه جهاتی که مورد اشاره قرار گرفت و نیز با توجه به لزوم یک تحول تقنینی مهم در باب احصای مصادیق فیلترینگ مجاز و تعیین ضوابط حاکم بر آن و همچنین به‌منظور پرهیز از اثرگذاری تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای در امثال به فیلترینگ، به نظر می‌رسد زمان تصویب قانون مشخص، منظم، شفاف و صریح مربوط به فیلترینگ در کشور ما فرارسیده است.

بدیهی است قانونی که در این زمینه به تصویب می‌رسد، باید بتواند ضمن شناسایی صریح اصل آزادی ارتباطات و دسترسی آزاد به اطلاعات و حق متناظر با این اصل، همچنان مبتنی بر استثناانگاری فیلترینگ، تعریف صحیح فیلترینگ مجاز، تعیین دقیق و شفاف مصادیق مجاز اقدام به فیلترینگ و نیز تمام ضوابط شش‌گانه‌ای باشد که در این مقاله، مورد اشاره و تحلیل قرار گرفتند. این قانون باید به صراحت، نهادی ذی‌صلاح با قلمروی صلاحیتی ملی و فراقوه‌ای را برای تعیین مصادیق فیلترینگ مجاز تعیین کند تا گامی مهم در راه اجتناب از توسل به سلیقه‌های شخصی در تشخیص موارد فیلترینگ مجاز، برداشته شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. بیابانی، غلامحسین و سلطانی فر، محمد (۱۳۹۷). *اصول و مبانی حقوق بین‌الملل ارتباطات*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۲. پلومان، ادوارد (۱۳۹۹). *حقوق بین‌الملل ارتباطات و اطلاعات*. ترجمه بهمن آقایی، چ ۳، تهران: گنج دانش.
۳. معتمدنژاد، کاظم و معتمدنژاد، رویا (۱۳۹۸). *حقوق ارتباطات*. چ ۹، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ج ۱.
۴. میرعمادی، طاهره (۱۳۹۸). *مبانی حقوق شهروندی در فضای تبادل اطلاعات*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۵. هیک، استیون؛ اف هلیپین، ادوارد؛ هواسکینز، اریک (۱۳۸۶). *حقوق بشر و اینترنت*. ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، تهران: خرسندی.

ب) مقالات

۶. بابازاده مقدم، حامد و اسدی، عباس (۱۳۹۶). *اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی*. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۹، ۱۶۳ - ۱۹۴.
۷. بابازاده مقدم، حامد و مهدی رضایی (۱۳۹۳). *اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا*. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۵ (۴۲)، ۴۳ - ۸۲.
۸. تکلو، سمیه و مرادخانی، فردین (۱۴۰۰). *تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران*. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۲)، ۲۵ - ۶۷.
۹. جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶). *مزیت‌ها و محدودیت‌های فضای سایبر در حوزه‌های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی*. *حقوقی دادگستری*، ۷۱ (۵۹)، ۶۱ - ۱۰۰.
۱۰. حاجی‌پور، علی و عظیم‌زاده، سعید (۱۴۰۲). *گردش آزاد اطلاعات و تداخل صلاحیت‌ها در رویه شورای عالی فضای مجازی*. *مطالعات حقوقی فضای مجازی*، ۲ (۴)، ۱ - ۱۳.
۱۱. رادمهر، ایرج (۱۳۸۵). *بررسی مفهوم امنیت ملی*. *علوم و فنون نظامی*، ۳ (۵)، ۲۵ - ۳۹.
۱۲. رستم‌علی‌زاده، سعید و حاجی‌ملا میرزایی، حامد (۱۳۹۹). *نظام حقوقی حاکم بر فیلترینگ اینترنت در ایالات متحده آمریکا*. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰ (۴)، ۱۶۶۳ - ۱۶۸۱.
۱۳. رضایی، مهدی و بابازاده مقدم، حامد (۱۳۹۳). *اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا*. *پژوهش حقوق عمومی*، ۴۲، ۴۳ - ۸۲.
۱۴. سلیمان‌دهکردی، الهام و افراسیابی، علی (۱۳۹۴). *حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی*. *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۶ (۲۱)، ۷۵ - ۱۰۰.

۱۵. شهابی، مهدی و شهیدی، نگار (۱۳۹۷). اخلاق حسنه و نظم عمومی چون منبع اصول و قواعد حقوقی تأملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۸ (۳)، ۵۱۱ - ۵۲۸.
۱۶. فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی (۱۴۰۰). تأملی بر حمایت از حق آزادی بیان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ناظر بر مسدودسازی دسترسی به اینترنت. *حقوق فناوری‌های نوین*، ۴ (۴)، ۱۵۵ - ۱۸۲.
۱۷. کدخدایی، عباسعلی و جلیلی، سیدرضا (۱۴۰۳). استناد به امنیت ملی در رویه حقوقی بین‌المللی. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۴ (۱)، ۱ - ۲۴.
۱۸. میرزایی، حمید؛ شعبان‌نیا منصور، مهدی؛ گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). بررسی رویکردهای حاکمیت قانون برای اعمال فیلترینگ در فضای مجازی با بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی. *مدیریت بحران*، ویژه‌نامه دوم (پدافند غیرعامل)، ۱۵ - ۲۷.
۱۹. محسنی، وجیهه؛ هاشمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد و عباسی، بیژن (۱۴۰۰). تحلیل و نسبت‌سنجی حقوقی تضمین شهروندی با فیلترینگ. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۹۴ (۹۴)، ۷۹ - ۱۱۸.
۲۰. میرزایی، ولی؛ وطنی، امیر و عباسی سرمدی، مهدی (۱۳۹۸). ساختار اخلاقی در حدود آزادی اطلاعات و فیلترینگ در ایران. *پژوهش‌های اخلاقی*، ۱۰ (۲)، ۲۶۵ - ۲۷۶.
۲۱. ویژه، محمدرضا و طاهری، آزاده‌سادات (۱۳۹۰). تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات. *پژوهش حقوق عمومی*، ۳۵ (۳۵)، ۲۳۷ - ۲۶۸.

ج) پایان‌نامه‌ها

۲۲. اسدی، فرنوش (۱۳۹۹). آموزش حقوق بشر برای تضمین حق بهره‌مندی از فضای مجازی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر*. به راهنمایی رضا اسلامی. تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. بهروزی، علیرضا (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در قبال حق دسترسی آزاد به اطلاعات. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*. به راهنمایی محمدعلی بابایی. قزوین: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خیمینی (ره).
۲۴. رحیمی، فرزاد (۱۳۹۸). حق بر دسترسی به اطلاعات و رسانه‌های نوین مجازی در پرتو حقوق بشر. *پایان‌نامه کارشناسی حقوق بشر*. به راهنمایی قاسم زمانی. قم: دانشکده حقوق، پردیس دانشگاه تهران.
۲۵. صدقی، عبدالله (۱۳۹۸). ارزیابی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران در پرتو اصل آزادی اطلاعات. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات*، به راهنمایی علی آدمی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفری، ملیکا (۱۳۹۹). رویه دیوان اروپایی حقوق بشر پیرامون حق دسترسی آزاد به اینترنت. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر*. به راهنمایی رضا اسلامی. تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Appell, M. (2016). *A New Responsibility for Internet Platforms: Germany's New Hate Speech Law*, American Institute for Contemporary German Studies.
2. Attorney General Department (2023). *Right to Freedom of Opinion and Expression (Public sector Guidance Sheet)*. Canada.
3. Banett, J. (2012). *Right of Freedom of Internet*. Oxford University.
4. Barry, J. B. (2018). *Access to Content: Censorship, Blocking and Filtering (Advanced Modules on Digital Rights and Freedom of Expression Online in Sub-Saharan Africa)*. Media Deffence.
5. Council of Europe (2022). *Freedom of Expression and Information*. ECHR.
6. DeTan, C., & Shorts, E. L. (ed.) (2012). *Public Law and Human Rights*. Sweet & Maxwell.
7. Ferdinand, P. (2013). *The Internet, Democracy & Democratization*. London: Frankcass.
8. Howard, C. (2013). *The Freedom of Information*. Sage.
9. Kharouni, L. (2013). *Africa: A New Safe Harbor for Cybercriminals?*. Trend Micro Incorporated.
10. Master, A. (2023). *Modeling and Charcterization of Internet Censorship Technologies*. A Dissertation Submitted to the Faculty of Purdue University In Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Department of Technology. West Lafayette, Indiana.
11. Mcgoldric, D. (2012). *The Human Rights Community*. Oxford Clarendon.
12. Ramachander, S. (2016). *Access Denied-The Practice and Policy of Global Internet Filtering*. London; Cambridge Massachusetts.
13. Steiner, H. J., & Alston, P. (2013). *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*. Oxford University.
14. UN Committee on the Human Rights (2020). *Access to Content: Censorship, Blocking and Filtering (Overview of censoring, blocking and filtering of content)*. New York.
15. UNESCO (2022). *Freedom of Connection, Freedom of Expression*. The Changing Legal and Regulatory Ecology Shaping the Internet, Vienna.
16. Wacc, R. (2023). *Communication Rights in Theory and Practice*. New York.
17. Yau, H., & Heung W. W. (2021). *Censorship in Japan*. Routledge Culture, Society, Business in East Asia Series. London: Routledge.

B) Articles

18. Bashir, H., & Nasrollahi, M. S. (2018). A Comparative Study of Regulating the Filtering of Cyberspace in the US, the EU and China: Proposals for Policymaking in Iran, *Cyberspace Studies*, 2 (1), 10-39.
19. Montero, E., & Van Enis, Q. (2023). Enabling Freedom of Expression in the Light of Filtering Measures Imposed on Internet Intermediaries: Squaring the Circle?. *Computer Law & Security Review*, 48, 273-304.
20. Hashemzadegan, A., & Gholami, A. (2022). Internet Censorship in Iran: An Inside Look. *Cyberspace Studies*, 6 (2), 180-211.
21. Husovec, M. (2023). Mandatory Filtering Does not Always Violate Freedom of Expression: Important Lessons from Poland v Council and European Parliament.

Common Market Law Review, 60 (1), 10-28.

22. Stoycheff, E. (2018). Online Censorship and Digital Surveillance: The Relationship Between Suppression Technologies and Democratization Across Countries. *Information, Communication & Society*, 23 (4), 412-433.

C) Rules, Recommendations, Announcements & Reports

23. Country Report: Belgium. Freedom in the Internet, Freedom House, 11 January 2023. Retrieved 12 November 2023.
24. Declaration of Guaranteeing the Right to Freedom of Communication (2015)
25. Declaration of the Council of Europe of Freedom of Communication on the Internet (2020)
26. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
27. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966)
28. Recommendation of the Council of Europe Regarding the requirements of the Internet Filtering Process and Guaranteeing the Right to Freedom of Communication (2022)
29. Recommendation of the Requirements Governing the Policies related to Internet Filtering (2022)
30. The World Declaration of Human Rights (1948)

References In Persian:**A) Books**

1. Biabani, Gh., & Soltanifar, M. (2018). Principles and Foundations of International Communications Law, First Edition, Tehran: Media Studies and Planning Office ([In Persian](#)).
2. Hick, Steven et al. (2007). *Human Rights and the Internet*. translated by Seyyed Ghasem Zamani and Mahnaz Bahramloo, Tehran: Khorsandi ([In Persian](#)).
3. Mir-Emadi, T. (2019). *Fundamentals of Citizen Rights in the Information Exchange Space*. Tehran: Humanities Research and Development Institute ([In Persian](#)).
4. Motamednejad, K., & Motamednejad, R. (2019). *Communications Law*. Volume 1, Ninth Edition, Tehran: Media Studies and Research Center ([In Persian](#)).
5. Plowman, E. (2019). *International Communications and Information Law*. translated by Bahman Aghaei, Third Edition, Tehran: Ganjdanesh ([In Persian](#)).

B) Articles

6. Babazadeh Moghadam, H., & Asadi, A. (2017). Principles of Filtering Internet Information Sites. *New Media Studies*, (9), 163-194 ([In Persian](#)).
7. Babazadeh Moghadam, H., & Rezaei, M. (2014). Principles of Formulating Laws and Regulations for the Internet with Emphasis on UNESCO and Council of Europe Resolutions. *Public Law Research*, 15 (42), 43-82 ([In Persian](#)).
8. Fazaeli, M., & Karami, M. (2011). A Reflection on the Protection of the Right to Freedom of Expression in the Case of the European Court of Human Rights Regarding the Blocking of Internet Access. *Bi-Quarterly Journal of New Technologies Law*, 4, 155-182 ([In Persian](#)).
9. Gorji Azandariani, A. A., et al. (2019). A Study of Rule of Law Approaches for Implementing Filtering in Cyberspace with Crises and Social Threats. *Bi-Quarterly Journal of Crisis Management*, Special Issue No. 2 (Inactive Defense), 15-27 ([In Persian](#)).
10. Hajipour, A., & Azimzadeh, S. (2003). Free Circulation of Information and Interference of Competencies in the Procedure of the Supreme Council of Cyberspace. *Cyberspace Legal Studies*, 2 (4), 1-13 ([In Persian](#)).
11. Jalali Farahani, A. H. (2007). Advantages and Limitations of Cyberspace in the Areas of Freedom of Expression, Freedom of Information and Privacy”, *Justice Legal Journal*, 71 (59), 61-100 ([In Persian](#)).
12. Kadkhodaei, A., & Jalili, S. R. (2014). Reference to National Security in International Legal Procedure”, *Quarterly Journal of Public Law Studies*, Volume 54, Issue 1, pp. 1-24 ([In Persian](#)).
13. Mirzaei, V., Vatani, A., & Abbasi Sarmadi, M. (2019). Ethical Structure Regarding Freedom of Information and Filtering in Iran. *Ethical Research*, 10 (2), 265-276 ([In Persian](#)).
14. Mohseni, V., Hashemi, S. M., Javid, M. J., & Abbasi, B. (2019). Analysis and Legal Rationing of Ensuring Citizenship with Filtering. *Judicial Law Perspectives*, (94), 79-118 ([In Persian](#)).
15. Radmehr, I. (2006). Investigating the Concept of National Security. *Military Sciences and Technologies*, 3 (5), 25-39 ([In Persian](#)).

16. Rezaei, M., & Babazadeh-e-Moghadam, H. (2014). Principles of Formulating Laws and Regulations for the Internet with Emphasis on UNESCO and Council of Europe Resolutions. *Public Law Research*, 42, 43-82 ([In Persian](#)).
17. Rostam-Alizadeh, S., & Haji-Molla-Mirzaei, H. (2019). The Legal System Governing Internet Filtering in the United States. *Public Law Studies*, 50 (4), 1663-1681 ([In Persian](#)).
18. Shahabi, M., & Shahidi, N. (2018). Good Ethics and Public Order as Sources of Legal Principles and Rules: A Reflection on the Transition from Negative to Positive Function of Legal Institutions. *Private Law Studies*, 48 (3), 511-528 ([In Persian](#)).
19. Soleiman Dehkurdi, E., & Afrasiabi, A. (2015). The Right to Free Access to Information in the International and National Legal System. *International Police Studies*, 6 (21), 75-100 ([In Persian](#)).
20. Taklu, S., & Moradkhani, F. (2017). Multiplicity of Legislative Institutions with Emphasis on the Position of Resolutions of the Supreme Council of Cyberspace in the Iranian Legal System. *Contemporary Comparative Law Studies*, 12 (22) 25-67 ([In Persian](#)).
21. Vizheh, M. R., & Taheri, A. S. (2011). An Analysis of the Law on the Publication and Free Access to Information in the Light of the General Principles Governing Access to Information. *Public Law Research*, 35, 237-268 ([In Persian](#)).

C) Theses

22. Asadi, F. (2010). Human Rights Education to Guarantee the Right to Benefit from Cyberspace. *Master's Thesis in Human Rights*, Shahid Beheshti University ([In Persian](#)).
23. Behrouzi, A. (2012). Iran's Criminal Policy Regarding the Right to Free Access to Information. *Master's Thesis in Criminal Law and Criminology*, Imam Khomeini International University of Qazvin ([In Persian](#)).
24. Rahimi, F. (2019). The Right to Access to Information and New Virtual Media in the Light of Human Rights. *Bachelor's Thesis in Human Rights*, University of Tehran (Qom Campus) ([In Persian](#)).
25. Sedghi, A. (2019). Evaluation of the Law on the Publication and Free Access to Information in Iran in the Light of the Principle of Freedom of Information. *Master's Thesis in Communication Law*, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaiee University ([In Persian](#)).
26. Safari, M. (2019). The Case of the European Court of Human Rights on the Right to Free Access to the Internet. *Master's Thesis in Human Rights*, Shahid Beheshti University ([In Persian](#)).